
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۳۷

آیه ۱۷۱

آیه و ترجمه

و اذ نتقنا الجبل فوقهم كانه ظلة و ظنوا انه واقع بهم خذوا ما ءاتينكم بقوة و اذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۱۷۱

ترجمه :

۱۷۱ - و (نیز بخاطر بیاور) هنگامی را که کوه را بر فراز آنها همچون سایبانی بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنها فرود خواهد آمد (و در این حال از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم) آنچه را به شما (از احکام و دستورات) داده ایم با قدرت (و جدیت) بگیرید و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و عمل کنید) تا پرهیزگار شوید.

تفسیر :

آخرین سخن درباره قوم یهود

نتقنا از ماده نتق (بر وزن قلع) در اصل به معنی کندن چیزی از جایش و به سوی دیگری پرتاب کردن است، به زنانی که زیاد فرزند می آورند نیز ناتق میگویند، زیرا به آسانی فرزند را از محیط رحم جدا کرده و به خارج میگذارند. این آیه آخرین آیه ای است که در این سوره پیرامون زندگی بنی اسرائیل سخن میگوید و در آن سرگذشت دیگری را به جمعیت یهود یادآوری می کند، سرگذشتی که هم درس عبرت است و هم دلیل بر سپردن یک پیمان میگوید: به خاطر بیاورید هنگامی که کوه را بالای سر آنها قرار دادیم، آنچنان که گوئی سایبانی بر سر آنها بود (و اذ نتقنا الجبل فوقهم كانه ظلة

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۳۸

و آنچنان که آنها گمان می بردند بر سرشان سقوط خواهد کرد وحشت واضطراب سراسر وجودشان را گرفت، و به تضرع افتادند (و ظنوا انه واقع بهم).

در همان حال به آنها گفتیم آنچه را از احکام به شما داده ایم با جدیت وقوت

بگیرید (خذوا ما آتیناکم بقوة).

و آنچه در آن آمده است به خاطر داشته باشید تا پرهیزگار شوید از کیفر خدا بترسید و به پیمانهای که در آن از شما گرفته ایم عمل کنید (و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون).

این آیه با تفاوت مختصری در سوره بقره آیه ۶۳ گذشت، و همانطور که در آنجا گفتیم طبق گفته مفسر معروف طبرسی در مجمع البیان از قول ابن زید، این جریان هنگامی بود که موسی (علیه السلام) از کوه طور باز می گشت و احکام تورات را با خود می آورد، موقعی که وظایف واجب و دستورات حلال و حرام را به قوم خود اطلاع داد، آنها تصور کردند عمل به این همه وظایف کار مشکلی است و به همین جهت بنای مخالفت و نافرمانی گذاردند، در این هنگام قطعه عظیمی از کوه بالای سر آنها قرار گرفت آنها چنان در وحشت فرو رفتند که دست به دامن موسی (علیه السلام) زدند، موسی (علیه السلام) در همان حال گفت: اگر پیمان وفاداری به این احکام ببندید این خطر بر طرف خواهد شد، آنها تسلیم شدند و در پیشگاه خدا سجده کردند و بلا از سر آنها گذشت.

نکته ها

در اینجا دو سؤال پیش می آید که در سوره بقره به آنها و پاسخ آنها اشاره کرده ایم و فشرده آنرا در اینجا می آوریم.
سؤال اول - آیا پیمان گرفتن در این حال جنبه اجباری ندارد؟

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۳۹

پاسخ - شک نیست که در آن حال یکنوع اضطرار بر آنها حکومت می کرده، ولی مسلماً بعداً که خطر بر طرف شد ادامه راه را با اختیار خود می توانستند انتخاب کنند.

به علاوه اجبار و اکراه در عقیده معنی ندارد ولی در برنامه های عملی که ضامن خیر و سعادت انسان است چه مانعی دارد که با اجبار مردم را به آن وادار کنند، آیا اگر کسی را به اجبار وادار به ترک اعتیاد و یا رفتن از راه امن و امان و خودداری از راه خطرناک کنند عیب دارد؟

سؤال دوم - چگونه کوه بالای سر آنها قرار گرفت؟

پاسخ - بعضی از مفسران معتقدند که به فرمان خدا کوه طور از جا کنده شد و

همچون سایبانی بر سر آنها قرار گرفت. بعضی دیگر می‌گویند بر اثر یک زلزله شدید چنان کوه تکان خورد که افرادی که پای کوه بودند، سایه قسمت بالای آنرا بر سر خود مشاهده کردند. این احتمال نیز وجود دارد که قطعه عظیمی از کوه کنده شد و در یک لحظه زودگذر بر فراز سر آنها قرار گرفت، سپس از آنجا گذشت و به کناری افتاد. و در هر حال شک نیست که این یک موضوع خارق العاده بوده است نه یک جریان طبیعی.

موضوع دیگری که باید در آیه مورد توجه قرار گیرد این است که نمی‌گوید کوه بر سر آنها سایبان شد، بلکه می‌گوید همانند سایبانی گردید (کانه ظلة). این تعبیر یا به خاطر آن است که سایبان را معمولاً برای اظهار محبت بالای سر افراد قرار می‌دهند، در حالی که در آیه مورد بحث این کار به عنوان یک بلا و تهدید بود و یا به خاطر این است که سایبان امری است پایدار در حالی که قرار گرفتن کوه بالای سر آنها جنبه موقتی و ناپایدار داشت.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۴۰

گفتیم با این آیه آیات مربوط به سرگذشت بنی اسرائیل و حوادث گوناگون و خاطرات شیرین و تلخ در مورد آنها (در این سوره) پایان می‌پذیرد، و این سرگذشت آخرین سرگذشت انبیاء است که در این سوره آمده است. ذکر این آیه در پایان سرگذشت آنها در این سوره - با اینکه آخرین جریان مربوط به این جمعیت نیست - ممکن است به خاطر این باشد که هدف نهائی از تمام این ماجراها همان تمسک به آیات پروردگار و عمل به پیمانه‌های او و برای رسیدن به تقوا و پرهیزکاری است که در این آیه و آیه پیش از آن بیان شده است.

یعنی تمام رسالت موسی (علیه السلام) و سایر انبیاء و مبارزات و درگیریهای مستمر و سخت آنان، و ناراحتیها و شدائد طاقتفرسائی که تن به آن دادند، همه برای آن بوده است که فرمان خدا و اصول حق و عدالت و پاکی و تقوا در میان همه به طور کامل اجرا گردد.